

لزوم توجه به تاریخ هنر*



الف - تعریف تاریخ هنر:

و مستقیم تر از رشته‌های دیگر علوم انسانی بر روی واقعیات و حوادث متوالی تاریخی تکیه می‌کند. حقایق تاریخی در این علم چنان شکل گرفته که هر انسان ساده‌ای می‌تواند آنرا درک کند. در اینجا واقعیت تاریخی در شئی هنری وجود و هستی انکارناپذیری یافته است.

تاریخ هنر عبارت است از تجزیه و تحلیل شرایط زمان و مکان در خلق آثار معماری، تندیس‌سازی، نقاشی و تزیینات و تکامل و تغییر شکل یافتن آنها در رابطه با جوامع متفاوت بشر. تاریخ هنر علمی است که ذات هنر را از لحاظ پیدایش و نوع آن از نظر تاریخی بررسی، و در این بررسی با احتیاط کامل از تجزیه و تحلیل کلی زیباشناسی آثار هنری صرف نظر می‌کند. تاریخ هنر واضح‌تر

ب - تفاوت تاریخ هنر و باستان‌شناسی:

باستان‌شناسی یعنی تجزیه و تحلیل توده، شکل و رنگت اشیاء و آثار معماری، تندیس‌سازی و نقاشی ملل باستانی، شناسائی و تکامل

* دکتر غلامعلی همایون، دانشیار دانشگاه تهران و عضو گروه بررسی مسائل ایران

آنها در دایره زندگی فرهنگی ملل قدیم از ابتدای تاریخ تا اواخر دوره کهن (پیش از تاریخ خود علم جداگانه ایست). بطور مجمل باستان شناسی بازیابی و تشخیص هویت همه آثار ایست که از ملل قدیم باقیمانده باستانهای آثار ادبی، در صورتیکه تاریخ هنر علاوه بر خدمات باستان شناسی وظایف دیگری نیز بعهده دارد.

تشریح و مقایسه بیشتر پدیده های هنری در رابطه با اجتماعات ملل و بخصوص مللی که در سطح فرهنگی والاتری قرار داشتند و همچنین مسئله بعد زمان تاریخ هنر را بکلی از باستان شناسی متمایز می دارد، بدان معنی که تاریخ هنر اساس فعالیتش را بر روی آن دوره هائی می نهد که تئوریهای هنری صورت مشخص تری را بخود گرفته اند - بعبارت دیگر تاریخ هنر تحقیق و نمودار ساختن واقعیاتی است که تکامل اراده هنری بشر را توأم با دلایل پیدایش آن بطور اعم در طول زندگی بشر و بطور اخص از اوائل قرون وسطی تا عصر حاضر می شناساند.

ارتباط تاریخ هنر و زیباشناسی:

هراثر هنری از نظر موجودیت خود، شیئی است کاسلا مشخص که بوسیله روحیات و شخصیت خالق خود دارای خصوصیات ویژهئی شده که فقط مختص آنست. این ویژگی که باید مشخصه هراثر هنری باشد آنرا از دیگر آثار هنری متمایز می کند. خصوصیات ویژه هراثر هنری که شرط اصلی هستی آنست،

ماده اصلی قابل مطالعه مورخ هنر محسوب می شود. وی عوامل اصلی هراثر هنری را تجزیه و تحلیل کرده و آنرا بطریقی بر حسب خصوصیات زمانی و مکانی در گروهی قرار می دهد تا بتوان آن اثر را از نظر علم تاریخ هنر درك و لمس نمود.

هراثر هنری نسبت به خصوصیات کمی و کیفی اش بدون شك با آثار دیگری که تحت همان شرایط خلق شده اند، خویشاوند است. روابط ممکنه با آثار دیگر، شباهت ها، خویشاوندی، تداخل، تقلید و نفوذ آثار هنری در یکدیگر بسبب عوامل روانی متعدد و فراوانی است که جزء لاینفك مواد قابل مطالعه مورخ هنر است. و اما زیباشناسی از نظری دیگر اشیاء هنری را مشاهده می کند. زیبا شناس آنچه را که آثار هنری را از یکدیگر مشخص می کند در نظر نمی گیرد، بلکه وجه اشتراك آنها برای وی اهمیت دارد. یعنی علم زیباشناسی اساسش بر روی قوانین وضع شده قرار دارد، در صورتیکه تاریخ هنر بر روی واقعیات تکیه می کند. مورخ هنر آثار هنری را از لحاظ تاریخی بررسی کرده و تأکید دارد که هیچ اثر هنری نمی تواند زشت باشد، زیرا معیارهای زشتی و زیبایی مابین ملتها و قبایل مختلف متناوت است. يك اثر هنری بدلیل اینکه نماینده فرهنگی دوره ای از تاریخ ملتی محسوب می شود، خود بخود دارای ارزش است. يك اثر هنری نباید از نظر فلسفه کلی زیباشناسی بررسی شود و در ارزشیابی آن نباید وجه اشتراك زیبایی را دخالت داد.

این صحیح نیست که بگوئیم «این الرزیباست پس ارزش هنری دارد، این اثر نازیباست پس فاقد ارزش هنری است». مورخ هنر عقیده دارد که در يك اثر هنری باید کار خلاقه انجام شود و آن واقعیتی را بیان دارد که نمودار يك عصر تاریخی است. تضاد روش تحلیل مابین زیباشناسان و مورخین هنر به بحث‌های طولانی کشیده و سرانجام به پیدایش «علم هنر» منجر شد. در بدو پیدایش «علم هنر» مفهوم تاریخ هنر مبهم تر شد. بعضی از دانشمندان عقیده داشتند که «علم هنر» آثار هنری را باید فقط از نظر تاریخی تجزیه و تحلیل کند. برخی دیگر آنرا علم «شناسائی هنر» خواندند، در صورتیکه «علم هنر» همان «تاریخ هنر» بمعنی دقیق‌تر و علمی‌تر آنست. «علم هنر» عبارتست از تحقیق تاریخی سیر تکاملی هنرهای تجسمی و معماری، روابط آنان با یکدیگر و حوزه فعالیت آنها در سرزمینهای متفاوت فرهنگی. علم هنر باید زندگی و کار خلاقه هنرمند را آشکار کند، محتوی و فرم هنر او را توصیف و بالاخره آثار او را از جهات مختلف تجزیه و تحلیل کرده و تحت سبکهای محلی و تاریخی مربوطه تنظیم کند.

سیر تکاملی علم تاریخ هنر در غرب:

بسیاری از نویسندگان دوره کهن اروپا از جمله پلینیوس Plinius در کتاب «تاریخ طبیعی» و ویترو Vitruv در «ده کتاب هنر معماری» شرح زندگی هنرمندان را تحریر

کرده‌اند. دوره بیزانس شاهد توپوگرافی آثار تاریخی بشکل ابتدائی آنست. در دوره قرون وسطی نیز مقالات و دفاتری چند درباره تکنیک‌های متفاوت هنر تألیف شد.

تشریح آثار هنری و شرح زندگی هنرمندان بطور اعم از دوره رنسانس ایتالیا آغاز شد. در این دوره نوشته‌های مربوط به تاریخ هنر مورد استقبال شدید جوامع فرهنگی قرار گرفت و هنرمندان اعتبار خاصی یافتند. کتاب کومنتاری Commentarii «تفسیر» یا «مسائل قابل تفکر» (سال تألیف ۱۴۵۰) اثر تندیس‌ساز معروف فلورانس «لورنزو گیبرتی» Lorenzo Ghiberti (۱۴۵۵-۱۳۸۱) اولین اثری است که مسائل هنری را از دیدگاه تاریخ هنر بررسی می‌کند. این کتاب که در سال ۱۹۱۲ بوسیله اشلوسر Schlosser آلمانی در دو جلد تجدید چاپ و منتشر شد هنر ترچنتو Trecento یعنی ایتالیای قرن چهاردهم را نیکو تجزیه و تحلیل می‌کند. ولی در هر حال «گیبرتی» بیشتر به بیوگرافی هنرمندان توجه می‌کرد تا تجزیه و تحلیل آثار هنری آنها. از بطن این بیوگرافی‌ها که فرم اصلی تاریخ هنر آن دوره بوده و به ویترو Vite معروف شده بودند، علم تاریخ هنر متولد شد. مهمترین و مفصل‌ترین آنها مجموعه اساری Vasari است که نمونه و منبع بسیاری بیوگرافی‌ها قرار گرفت.

واساری معمار و نقاش ایتالیائی (۱۵۷۴-۱۵۱۱) سرتاسر ایتالیا را سیاحت کرد و اطلاعات فراوانی از هنر آن سرزمین

یافت. کتب و نوشته‌های فراوان و اساری معروفیت بسیاری برایش بیار آورد و آثارش مکرراً چاپ و نشر شد. برای آخرین بار آثار و اساری در سه جلد مابین سالهای ۱۹۲۳ و ۱۹۴۰ بچاپ رسید. کتب و اساری از مهمترین و بهترین منابع تاریخ هنر اروپا محسوب می‌شود و مورخین هنر هنوز از آنها بعنوان منبع اصلی استفاده می‌کنند و بدین مناسبت لقب «پدر تاریخ هنر جهان» را برای وی انتخاب کرده‌اند.

در آلمان دوره رنسانس یوهانس بوتزباخ Johannes Butzbach و یوهان نوی دورفر Johann Neudorfer بیوگرافی هنرمندان متعددی را به تحریر آورده‌اند. در قرن هفدهم یواخیم فن ساندراست Joachim Von Sandrast (۱۶۸۸ - ۱۶۰۶) نقاش و سیاه قلمزنی از اهالی فرانکفورت کتابی تحت عنوان «آکادمی آلمانی هنرهای ظریفه معماری، مجسمه‌سازی و نقاشی، Teutsche Akademie der Edlen Bau - Bild - und Malerie Kunste» تحریر کرد. این کتاب که در سالهای ۱۶۷۵ و ۷۹ در دو جلد بچاپ رسید (آخرین تجدید چاپ ۱۹۲۵) اولین منبع بزرگ تاریخ هنر در آلمان بشمار می‌آید.

در هلند، فان ماندر van Mander کتابی تحت عنوان «کتاب هنرمندان» (Schilderboek) در سالهای مابین ۱۶۰۴ - ۱۶۱۸ بچاپ رساند. «هواپراکن» نیز که از مشهورترین مورخین هنر شمال اروپا محسوب می‌شود در

سال ۱۷۱۸ کتابی شامل بیوگرافی هنرمندان بچاپ رساند.

در فرانسه نیز فله بین Felibien، روزه‌دپیل Roger de Piles و مونت فوکن Montafaucon بیوگرافی‌های متعددی از هنرمندان فرانسوی تهیه‌کردند. آنچه که فوقاً آمد شامل نوشته‌هایی است از شرح‌حال و زندگی هنرمندان که با تاریخ هنر بمعنی علمی آن، یعنی بررسی و مطالعه تاریخ تکامل هنرهای ملل متعدد در رابطه با وقایع اجتماعی آنها، تفاوت اساسی دارد. تاریخ هنر که امروزه شکل تکامل یافته‌اش تحت عنوان «علم هنر» شامل دروس متعدد رشته‌ای بسیار پراهمیت از دانشکده علوم انسانی دانشگاههای غرب است، از هنگام مطالعات «وینکلمن» آغاز شد. یوهان یواخیم وینکلمن Johann Joachim Winckelmann (۱۷۶۸ - ۱۷۱۷) دانشمند هنر - شناس و مورخ هنر بزرگ اروپا از اهالی آلمانست. وی پس از سیاحتهای فراوان در کشور آلمان و طبع کتبی چند به‌رم رفت تا هنر عهد کهن اروپا را در جای و مکان اصلی خود مطالعه کند. وینکلمن در سال ۱۷۶۳ بمناسبت مطالعات عمیقش بریاست موزه‌ها و کتابخانه‌های واتیکان در رم منصوب شد و در سال ۱۷۶۴ کتاب مشهورش تحت عنوان «تاریخ هنر عهدکهن» (Geschichte der Kunst des Altertums) با جهانی از شناسائی هنر و فرهنگ دوره باستانی اروپا بطبع رسید. این کتاب که در سال ۱۹۳۴ تجدید چاپ شد،

اولین اثر مطالعات علمی تاریخ هنر بمعنی واقعی آنست. وینکلمن در کتاب «تاریخ هنر عهد کهن» که کتاب بالینی مورخین هنر قرون بعد محسوب می‌شود آثار هنری را مانند سلف خود از نظر اشتیاق هنردوستی مشاهده نمی‌کند، بلکه آنها را از نظر علمی برمی‌رسد. او شرایط اصلی برای خلق یک اثر هنری را مورد مذاقه قرار داده و نتیجه می‌گیرد که شکل زندگی ملتها، زمینها، آب و هوا، نژاد، حکومت، اجتماع و مذهب در تشکیل فرم اصلی آن نقش اساسی بعهده دارند. وینکلمن «تاریخ سبک هنرها» را جانشین بیوگرافی هنرمندان می‌کند و در آن قوای روحی و معنوی ملل و ارتباط مابین هنر و زندگی مردم در زمان‌های خارجی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

با کشف سبکهای متعدد هنر دوران گذشته بوسیله وینکلمن، ارزشیابی صحیح هنر آغاز شد. کشفیات تاریخی سبکهای هنری انعکاس سلیقه اروپائیان در دوران‌های تاریخی مختلف است زیرا هیچیک از علوم انسانی نمی‌توانست مانند علم تاریخ هنر تا این اندازه واضح و آشکار خودآگاهی عمومی زمان را درک و توجیه کند. از طرف دیگر همین کشفیات سبب شد که سبکهای هنری تاریخی بوجود آید و موج تاریخ‌گرایی سراسر اروپا را فرا گرفت.

سبکهای روکوکو و کلاسیسیسم تحت شرایط خاصی که مطالعات مورخین هنر

بوجود آورد به‌کلاسیسیسم باستان‌شناسی مبدل و هرچه بیشتر تابع فرهنگ یونان و روم شد. توجه بدوره کهن و در نتیجه ایجاد سبک نئوکلاسیسیزم بیشتر بخاطر تغییر سلیقه مردم بوسیله مطالعات مورخین هنر انجام گرفت، زیرا مردم مسائل عینی هنر را مورد توجه قرار دادند. هنر نئوکلاسیسیزم برضد احساس قیام کرد. این هنر مبین سادگی و حقیقت‌پرستی بود. یکسان نمودن ارزش‌های زیبایی، اشتیاق به‌خطوط خالص روشن و ساده، اشتیاق به‌نظم و دیسیپلین، هماهنگی، سکون و نجابت از مشخصات مهمه هنر نئوکلاسیسیزم بود. تحت تأثیر مطالعات مورخین هنر و باستان‌شناسی مانند کیلوس Caylus از فرانس، استوارت و ریوت Stuart and Revett از انگلستان و وینکلمن و لسینگ از آلمان، نئوکلاسیسیزم سبک مسلط هنری اروپا سالهای مابین ۱۷۷۰ و ۱۸۰۰ شد. در رأس همه آنها وینکلمن پایه‌گذار تاریخ هنر و باستان‌شناسی سیستماتیک قرار دارد که نامش بعنوان پدر تاریخ هنر علمی در تاریخ ثبت شده و او بود که عنوان تاریخ هنر را در مقابل عنوان «تاریخ هنرمندان» که سابق برآن معمول بود انتخاب کرد.

علم تاریخ هنر در قرن نوزدهم، بتدریج به متخصصین فن واگذار شد. در دوره رمانتیک در سالهای مابین ۱۸۰۰ و ۱۸۳۰ متخصصین تاریخ هنر اسناد تاریخی و منابع انتقادی را

مطالعه کرده و بتدریج سبک‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کردند. نهضت رمانتیک نیز تحت تأثیر مطالعات مورخین هنر نضج گرفت و به کشف هنرهای قرون وسطی منجر شد و سبکهای نئورمان و نئوگوتیک بوجود آمد. مطالعات مجدد مورخین هنر از هنر دوره رنسانس و «باروک» به هنرمندان فرصت داد تا تحت تأثیر این کشفیات سبکهای نئو-رنسانس و باروک را بوجود آورند.

از میانه قرن نوزدهم تاریخ هنر بمنوان یک رشته‌ی کاملاً تخصصی وارد دانشگاهها شد. به‌نحویکه در نیمه دوم قرن کرسی‌های استادی به‌متخصصین آن اعطاء شد و انستیتو-های متعدد تاریخ هنر به‌وجود آمد. مورخین هنر اروپا با جهانی از اشیاء هنری و آثار تاریخی مواجه شدند که می‌بایست تجزیه و تحلیل شود. کار مداوم در اغلب کشورها بخصوص آلمان که در این علم پیشقدم بود آغاز شد، بخصوص مرمت آثار تاریخی هیجان‌غیرقابل وصفی به رشته‌های تاریخ هنر دانشگاهها اعطاء کرد.

در اواخر قرن نوزدهم روشی در تاریخ هنر بوجود آمد که به «فرمالیسم» معروف شد و در آلمان طرفداران زیادی داشت. فرمالیسم ارتباط اجتماعی و هنر را نفی می‌کرد و برای آن فقط شکل هنری قابل اهمیت بود. این روش در شناخت هنرهای اعصار مختلف خدمت فراوانی نمود ولی فقط قسمتی از وظیفه علم تاریخ هنر را انجام می‌داد و برای تاریخ هنر همانقدر خطرناک بود که جهت مخالفش.

جهت مخالف فرمالیسم، نظرات دانشمندانی بود که برای اثبات تئوریهای اجتماعی خود از آثار هنری استفاده می‌کردند و می‌گفتند که شکل‌ها و تنبیرات ظاهری در هنر مفاهیمی هستند که فقط کیفیت کلی معنوی یک دوره تنبیرات آنرا نشان می‌دهند. این تأکید افراطی در «اجتماعی» بودن تاریخ هنر سبب چنان خطری شد که آنان از اثر هنری فقط بمنزله مثال برای تاریخ عقاید و افکار اجتماعی بشر استفاده می‌کردند.

موقعیت فعلی علم تاریخ هنر در جهان غرب:

تاریخ هنر اکنون مقام شایسته خود را در میان علوم معنوی دانشگاههای غرب داراست. هر یک از رشته‌های تاریخ هنر در آن دیار دارای مؤسسه‌ای است که اساسی‌ترین کارهای این رشته را انجام می‌دهد. در این مؤسسه آثار هنری همه دوران‌ها از نظر فرم مطالعه شده تا شناخت انسان عصر حاضر را از هنر غنی‌تر گردانده و او را با سلیقه زمان مربوطه آشنا گرداند. آثار هنری از نظر محتوا نیز مطالعه شده تا روشن شود که تحت چه شرایطی از زمان و مکان و در چه اجتماعی آنها بوجو، آمده و رشد و نمو کرده‌اند. انستیتوی تاریخ هنر فقط با آن‌گروه از هنرها ارتباط دارد که قابل لمس و قابل رؤیت هستند.

تجزیه و تحلیل این آثار یعنی روشن نمودن تمام عوامل و وقایعی که در خلق و تکامل و سرنوشت معماری، پیکره‌سازی و نقاشی دخیل

بوده‌اند و وظیفه اصلی این انستیتوی دانشگاهی است.

مطالعات مربوط به تاریخ هنر شرق و بالاخص ایران:

اگر چه ملل آسیائی در زمینه هنر و معماری شاهکارهای جاویدانی آفریده‌اند ولی اصولاً مطالعه تاریخی و علمی هنر و معماری در میان این ملل چندان باب نبوده است. در میان مطالعات پراکنده آسیائیان دانشمندان چینی اولین افرادی هستند که زودتر از ملل دیگر آسیائی به تتبع و تحقیق هنر خود پرداختند.

در دوره عباسیان نویسندگانی مانند ابن مقله و ابن‌الایوب در مورد هنر و هنرمندان زمان خود مطالبی اظهار داشته‌اند. «کتاب مناقب هنروران» از قرن دهم هجری جزء منابعی محسوب می‌شود که می‌تواند اطلاعاتی از هنرمندان دوره‌های مختلف اسلام در اختیار محقق قرار دهد.

در قرن حاضر مطالعات تاریخی هنر در دانشگاه‌های کشورهای مهم اسلامی چون ترکیه و مصر نسبت به بقیه کشورها نضج بیشتری یافت. انستیتوهای متعدد تاریخ هنر در این کشورها بالنسبه فعالیت فراوانی از خود نشان داد و دانشمندان این رشته مانند علی‌بی بهجت، محمدرمضان اوغلو و زکی محسن مطالعات مهمی در مورد هنر سرزمینهای خود در انستیتوهای فوق‌الذکر انجام داده‌اند. مطالعات در مورد تاریخ هنر ایران بسیار ضعیف انجام یافته است. اگرچه دانشمندان خارجی مانند کرپورتر، تکسیه، لاکوست و فلاندن در قرن گذشته و ساره، ارنست‌دیتز،

و پوپ در قرن حاضر سالیان درازی از عمر خود را وقف مطالعه تاریخ هنر ایران نمودند و در حقیقت آنان بودند که هنر ایران را به ایرانیان معرفی کردن و شناساندن هنر ایران را در جهان ما مدیون آنان هستیم، با تمام این احوال مطالعات آنان اکثراً از نظر کیفیت یکطرفه و ناقص و نارسا بوده و از نظر کمیت نیز یکصدم آنچه‌ی نیست که می‌بایست انجام شود و در حقیقت آنان مقدمه مطالعات تاریخ هنر ایران را تدارک دیده‌اند.

موقعیت کنونی فعالیت‌های مربوط به علم تاریخ هنر در ایران:

دروس تاریخ هنر در سطح آموزش دانشگاه هیچگاه دارای یک اساس صحیح و منظم و منطقی نبوده و به این جهت غالباً در معرض تغییر و تبدیل بوده است. وجود نداشتن یک انستیتوی تاریخ هنر در دانشگاه این مسئله را همواره حادتر نموده است. در خردادماه ۴۷ پیشنهاد تأسیس یک مؤسسه تاریخ هنر در زیبا مطرح شد و بر اساس مصوبات شورای گروه سابق فرهنگ هنری دانشکده هنرهای دانشکده کمیسیونی مرکب از ۴ نفر از کادر آموزشی مأمور رسیدگی به این پیشنهاد شد. این کمیسیون تصویب کرد که ابتدا رشته تاریخ هنر در دانشکده هنرهای زیبا تأسیس و سپس اقدام به تأسیس انستیتوی تاریخ هنر شود. برنامه رشته تاریخ هنر تنظیم و مورد تصویب کمیسیون قرارگرفت ولی متأسفانه بعلت تغییرات ناگهانی اداری مسئله تأسیس انستیتو و رشته تاریخ هنر معلق گذارده شد.

آینده‌نگری علم تاریخ هنر در ایران: پیشنهادهات:

الف - برنامه درس تاریخ هنر در دبیرستانها:
۱- تاریخ هنر بعنوان يك درس مستقل در برنامه‌های دبیرستانی گنجانده شود.

۲- برای تأمین کادر آموزشی درس تاریخ هنر در دبیرستانها علاوه بر لیسانسیه‌های باستانشناسی و تاریخ هنر، می‌توان از دبیران لیسانسیه تاریخ و زبانهای خارجی استفاده کرد، بدین معنی که برای آنان کلاسهای فشرده ششماه تاریخ هنرگذارد تا برای تدریس این درس آمده شوند.

ب - تأسیس انستیتوهای تاریخ هنر دانشگاهها:
۱- هر دانشگاه ایرانی يك انستیتوی تاریخ هنر تأسیس کند.

۲- برای تأمین کادر این انستیتوها سالیانه ده نفر اول فارغ‌التحصیل گروه باستان‌شناسی و تاریخ هنر دانشگاه تهران برای گذراندن دوره دکتری تاریخ هنر به دانشگاههای کشور- های صنعتی غرب اعزام شوند.

پ - تأسیس انستیتوی ما در دانشگاه تهران:
۱- رشته تاریخ هنر از گروه باستانشناسی دانشگاه تهران مجزا شود. و گروهی مستقل تشکیل دهد.

۲- برای تأمین کادر گروه آینده تاریخ هنر، دانشگاه تهران از تمامی ایرانیانی که تحصیلات تاریخ هنر دارند برای کار در این گروه دعوت کند.

۳- انستیتوی اصلی تاریخ هنر ایران در دانشگاه تهران تأسیس شود.

در اوائل سال تحصیلی ۴۸-۱۳۴۷ برای شناخت هرچه بیشتر نوابوگان ایرانی با هنر و معماری کشور خود به وزارت آموزش و پرورش پیشنهاد شد که تاریخ هنر را بعنوان يك درس مستقل در یکی از کلاسهای دبیرستانهای خود منظور دارند.

در تاریخ ۴۷/۸/۱۵ از اداره کل مطالعات برنامه‌ها پاسخ آمد که مطالعات هنر و فرهنگ ایران در ضمن درس «تاریخ» گنجانیده شده است، در صورتیکه با توجه به اهمیت امر، «تاریخ هنر» باید بعنوان يك درس مستقل در دبیرستانها تدریس شود.

در آذرماه ۱۳۴۹ مجدداً پیشنهاد شد که انستیتو تاریخ هنر دانشگاه تهران تأسیس شود. این بار در سطح معاونین دانشگاه فعالیتها انجام شد ولی نتیجه‌ئی بدست نیامد. در تاریخ ۶/۶/۱۳۵۰ و ۶/۶/۱۳۵۲ نیز مجدداً تأسیس انستیتوی تاریخ هنر به ریاست دانشگاه تهران پیشنهاد شد.

در سال ۱۳۵۱ طی عریضه‌ای که به پیشگاه شهبانوی هنرپرور ایران تقدیم شد، امتدعا شد که يك انستیتوی تاریخ هنر تحت توجهات عالیه ایشان در دربار شاهنشاهی تأسیس شود. این پیشنهاد گویا به مؤسسه بنیاد فرهنگ ایران محول شده است.

در سال ۱۳۵۱ نام گروه «باستانشناسی» دانشکده ادبیات تهران به گروه «باستانشناسی و تاریخ هنر» تبدیل شد و در همان سال در وزارت فرهنگ و هنر مرکزی تحت عنوان «باستانشناسی و تاریخ هنر» تأسیس شد.

۴- انستیتوی تاریخ هنر دانشگاه تهران، انستیتوهای تاریخ هنر دانشگاههای دیگر را راهنمایی کرده و کارها را نسبت به شرایط مکانی هر دانشگاه تقسیم کند.

۵- اولین برنامه انستیتوی تاریخ هنر دانشگاه تهران و همچنین دانشگاههای دیگر براساس يك کار ده ساله امتوار خواهد بود تا بتوان از حيث تاریخ هنر در مقایسه با دیگر کشورهای صنعتی به دروازه تمدن بزرگ نزدیک شد.

ت - پروژه انستیتوی تاریخ هنر ایران

۱- لزوم ایجاد يك انستیتوی تاریخ هنر:

برای درك تغییرات جامعه امروزی نخست باید حس خودآگاهی ملی مردم تقویت شود. هنگامیکه ملت ما با این حقیقت آشنا شد که زمانی هنر کشورش منشأ بسیاری از تمدنها بوده و تشمعش آن طی قرون متمادی اغلب نقاط مسکونی جهان را فرا گرفته، خودبخود این احساس در وی ایجاد خواهد شد که بی-تواند آن آوازه را از نو کسب کند. بنا براین احساس خویشتنشناسی و دانستن این مطلب که تاریخ این کشور شاهد چه تمدن عظیم و فرهنگ شکوفانی است برای پیشرفت نادی فرد اعضا این مملکت در جامعه رویتکامل امروزی ما لازم و بلکه واجب است. بدین سبب تأسیس يك انستیتوی تاریخ هنر جزء بزرگترین نیازهای اجتماعی امروز مملکت است زیرا

میراث فرهنگی غرورآفرین ما می تواند و باید زیربنای محکمی برای تلاشهای معنوی حال و آینده ملت فراهم سازد.

آثار پراچ هنری گذشته ملت ما تاکنون مورد يك بررسی و مطالعه دقیق تحقیقی قرار نگرفته است. همانطوریکه فوقاً آمد ملل صنعتی در دانشگاهها و تأسیسات علمی خود مؤسسات متعدد تاریخ هنر پی افکنده اند که کارشان تحقیق و تتبع در هنرگذشتگان است. سرزمین ما نیز از نظر هنرگذشتگان دارای گنجینه هائی غنی و پراچ است. ما باید این گنجینه ها را بطور صحیح و دقیق ارزشیابی کرده و گرد فراموشی و عدم توجه را از آن دور نمائیم تا این آثار پربها بصورت مفاخر اصلی ملی مادر برابری دید عموم جهانیان قرار گیرد.

اگرچه در طی سالهای انقلاب سفید گامهای استواری در جهت حفظ و حراست هنر گذشته ایران برداشته شد، ولی در این رهگذر باید تلاشها وسیع تر، همه جانبه تر و هماهنگ تر شود تا نتایج لازم را سریع تر بدست دهد. هم-اکنون شاید در گوشه و کنار مملکت محققینی بطور پراکنده بکار تحقیق و تتبع در هنر گذشته ایران پرداخته اند. این اشخاص را نه تنها باید یاری داد بلکه زمینه همکاری گروهی میان آنها را باید فراهم نمود تا تلاشهای پراکنده، برخوردار از عامل هماهنگی آثار پرشکوهی به بار آورد. بدون شك کار تحقیق تاریخ هنر ایران از عهده يك یا چند نفر خارج است. باید همه محققان و صاحب نظران

این رشته را بیک مرکز و یا انستیتو جلب کرد. دانشگاهها بدون شك وظیفه دارند که انستیتوهای متعدد برای تحقیق و تدبیر تاریخ هنر ایران و جهان ایجاد کنند و از تخصص و دانش متخصصین معدود این رشته بمنظور بررسی و ارزشیابی تحقیقی و انتقادی این آثار بهره‌برداری کنند.

در سرزمین ما ایران گنجینه‌ای عظیم از هنر و معماری گذشتگان قرار دارد. باید ارزش این میراث جهانی و گرانبها را نیکو بدانیم و در بازشناسی و معرفی آن از هیچ چیز فروگذار نکنیم. برای تحقق این امر باید از پراکنده‌کاری پرهیز کنیم و یکار دستجمعی در آوریم، زیرا در دوران سرعت و عصر تسخیر فضا جز با همکاری اهل فن نمی‌توان به نتایج لازم و محمود رسید.

۳- وظایف انستیتو بطور اعم:

انستیتو وظیفه دارد هرچه سریع‌تر علم تاریخ هنر ایران را ایجاد کند و در جهت مسیر تکاملی آن‌گام‌های مؤثری بردارد تا بدان وسیله عقب‌ماندگیهای مشهود در زمینه تاریخ هنر ایران جبران شود.

علم تاریخ هنر ایران بوسیله مطالعه مواد اولیه هنری که در آن روح و فکر ایرانی فرم داده شده و بدان وسیله یک واقعیت هنری خلق شده، شکل می‌گیرد. این علم باید مقام شایسته و محل پرزیت خود را در مراکز علمی ما کسب کند زیرا از طرفی تاریخ هنر بطور اعم از جهان هستی آن دسته از پدیده‌ها را

برای مطالعه و تحقیق انتخاب می‌کند که از همه چیز واضح‌تر و قابل لمس‌ترند و در حقیقت گل سرسبد تمام پدیده‌های ممتاز دست‌پرورده بشر در اختیار این علم است، و از طرف دیگر هنر سرزمین ما بحق شایسته‌ای ایجاد یک چنین مرکز تحقیقی‌ای هست. این انستیتو وظیفه دارد مرکز تحقیقات تاریخ هنر تمامی شرق شود.

۳- هدف: تحقیق و تتبع هنر و معماری گذشته ایران:

الف - معماری کلاسیک ایران:

۱- تحقیق درباره معماری دوره مادها، هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان در رابطه با شاهنشاهی‌های بزرگ و ایده‌های جهانی که بخصوص در معماری دوره هخامنشی پیاده شود.

۲- تصحیح نظرات و عقاید دانشمندان

خارجی که در این باره تحقیق کرده‌اند.

۳- تدوین تاریخ معماری ایران از دوره

ماد تا پایان دوره ساسانیان (قرن هشتم قبل از میلاد تا قرن هفتم میلادی) و انتشار آن.

ب - معماری «اسلامی» ایران:

تحقیق درباره معماری اسلامی سرتاسر شرق در رابطه با دین اسلام از کرانه‌های سند تا دریای اژه و از جیحون تا سواحل افریقا و مرکز اسپانیا.

۱- تحقق این نظریه که معماری اسلامی از کرانه‌های سند تا ماوراء دجله و فرات براساس معماری دوره ساسانی قرار گرفته است.

- ۲- تحقیق این نظریه که معماری اسلامی از دشت سوریه تا جبال پیرنه بر اساس معماری ساسانی بیزانس و رومی قهرار گرفته است.
- ۳- تحقیق معماری ایران در ۴ قرن اول هجری.
- ۴- تحقیق درباره معماری دوره سلجوقیان.
- ۵- تحقیق درباره معماری ایران از قرن ششم تا قرن نهم هجری.
- ۶- تحقیق درباره معماری دوره صفویه.
- ۷- تحقیق درباره معماری دوره های افشار، زندیه، قاجار و عصر پهلوی.
- ۸- تدوین تاریخ معماری ایران از اوایل اسلام تا عصر پهلوی و انتشار آن.
- ۹- تحقیق درباره نفوذ معماری ایران بر روی معماری غرب:
- ۱- نفوذ معماری ایران بر روی معماری دوره کهن اروپا (یونان و روم).
- ۲- نفوذ معماری ایران بر معماری قرون وسطی اروپا بخصوص معماری دوره گوتیک.
- ۳- نفوذ معماری ایران بر معماری دوره های رنسانس و باروک اروپا.
- ۴- تحقیق درباره مد آلاورینتال Mode a la Orientale در معماری اروپای قرون نوزده و بیست.
- ۵- تدوین نفوذ معماری ایران بر معماری غرب و انتشار آن.
- ت- تحقیق درباره معماری مینور ایران:
- ۱- تحصیل تیپولوژی مسکن در شهر.
- ۲- تحصیل تیپولوژی مسکن در ده.
- ۳- تحقیق در روند تکاملی و تحولات

- سکونت در ایران از آغاز دوره نئولیتیک تاکنون.
- ۴- تعیین روابط عینی و تأثیر پدیده های اجتماعی در تحولات معماری بومی ایران.
- ۵- تدوین تاریخ مسکن و معماری بومی ایران و انتشار آن.
- ث - تجزیه و تحلیل استیکی میر تکاملی معماری ایران و تدوین و انتشار آن:
- ج- تحقیق درباره مصالح ساختمانی و میر تکامل آن در معماری ایران و تدوین انتشار آن:
- چ- تحقیق درباره هنر نقاشی، پیکره سازی و صنایع دستی ایران:
- ۱- تجزیه و تحلیل هنر ایران در دوره های ماقبل تاریخ و دوره های پالئولیتیک، مزولیتیک، نئولیتیک، و کالکولتیک، جنبه های انقلابی و سنت گرائی آن.
- ۲- پیکره سازی و نقوش برجسته صخره ای دوره هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان.
- ۳- نقوش برجسته و پیکره های دوره های هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان.
- ۴- میر تکاملی مینیاتور ایرانی.
- ۵- میر تکاملی صنایع دستی فلزی.
- ۶- میر تکاملی سرامیک.
- ۷- میر تکاملی هنر فرش و نساجی.
- ۸- تدوین تاریخ هنر نقاشی، پیکره سازی و صنایع دستی ایران و انتشار آن.
- ح - تحقیقات درباره بناها و تأسیسات شهری در ارتباط با بافت های شهر:
- الف - تجزیه و تحلیل يك بناهای قدیمی

هرشهر.

ب - رولره و اندازه برداری بناها.

ج - تدوین کتاب و فهرست کامل تحلیلی

از هرشهر.

پ - تهیه فهرستی صحیح و دقیق از آثار تاریخی ایران و آثار ایرانی موجود در موزه‌ها و مجموعه‌ها.

ت - اندازه برداری صحیح بناهای تاریخی ایران.

ث - بازسازی بناهای ویران شده تاریخی ایران (بوسیله ماکت).

ج - تهیه قالب از نقوش برجسته ایران.

چ - تهیه تاریخچه تحقیقات تاریخ هنر ایران.

ح - تهیه کتاب‌شناسی تاریخ هنر ایران.

خ - تهیه ترمینولوژی برای هنر و معماری ایران.

۴- روش تحقیق:

گردآوری مواد خام و تجزیه و تحلیل آن از طریق:

الف - تشکیل يك فتوتك.

۱- تهیه عکس، فیلم و اسلاید از آثار تاریخی ایران.

۲- تهیه عکس، فیلم و اسلاید از آثار ایرانی موجود در موزه و مجموعه‌ها.

۳- تهیه عکس از آثار برجسته معماری و هنری جهان برای مقایسه با آثار ایرانی.

ب - تماس مستقیم با اهم کتابخانه‌ها، موزه‌ها و دارندگان مجموعه‌های هنری جهان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی